

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قانون آیین دادرسی
دادگاه‌های عمومی و انقلاب در
امور مدنی (نموداری)

تدوین: الهام مختاری محمدی

انتشارات چتر دانش

- ◆ **سرشناسه:** مختاری محمدی، الهام، ۱۳۶۵ - ، گردآورنده
- ◆ **عنوان قراردادی:** ایران. قوانین و احکام
- ◆ **عنوان و نام پدیدآور:** قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (نموداری)/ تدوین الهام مختاری محمدی.
- ◆ **وضعیت ویراست:** ویراست ۳.
- ◆ **مشخصات نشر:** تهران: چتر دانش، ۱۳۹۳.
- ◆ **مشخصات ظاهری:** ۴۱۱ ص؛ ۱۷×۱۲ س.م.
- ◆ **شابک:** ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۷۳-۲
- ◆ **وضعیت فهرست نویسی:** فیپا
- ◆ **یادداشت:** چاپ قبلی: آراء سبز، ۱۳۹۱ (۴۵۰ ص).
- ◆ **موضوع:** آیین دادرسی مدنی -- ایران
- ◆ **موضوع:** حقوق مدنی -- ایران
- ◆ **موضوع:** قانون مدنی -- ایران
- ◆ **رده بندی کنگره:** KMH ۱۷۱۰/۳۸م ۲ ۱۳۹۳
- ◆ **رده بندی دیویی:** ۵۵۰۴/۳۴۷
- ◆ **شماره کتابشناسی ملی:** ۳۲۰۶۴۳۳

- ◆ **نام کتاب:** قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (نموداری)
- ◆ **ناشر:** چتر دانش
- ◆ **تدوین:** الهام مختاری محمدی
- ◆ **نوبت و سال چاپ:** نوزدهم - ۱۴۰۲
- ◆ **شمارگان:** ۲۰۰۰
- ◆ **شابک:** ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۷۳-۲
- ◆ **قیمت:** ۱۵۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیانتمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفی‌های ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱	۱۰
کتاب اول: در امور مدنی	۱۰
کلیات	۱۰
باب اول: در صلاحیت دادگاهها	۲۸
فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها	۲۸
فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن	۸۵
باب دوم: وکالت در دعوی	۹۶
باب سوم: دادرسی نخستین	۱۱۱
فصل اول: دادخواست	۱۱۱
مبحث اول: تقدیم دادخواست	۱۱۱
مبحث دوم: شرایط دادخواست	۱۱۴
مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست	۱۱۹
مبحث چهارم: پیوستهای دادخواست	۱۲۲
فصل دوم: بهای خواسته	۱۲۵
فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی	۱۲۸
مبحث اول: جریان دادخواست	۱۲۸
مبحث دوم: ابلاغ	۱۳۰
مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی	۱۴۱
فصل چهارم: جلسه دادرسی	۱۴۷

فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست	۱۵۶
فصل ششم: امور اتفاقی	۱۶۰
مبحث اول: تأمین خواسته	۱۶۰
مبحث دوم: ورود شخص ثالث	۱۷۱
مبحث سوم: جلب شخص ثالث	۱۷۳
مبحث چهارم: دعوای متقابل	۱۷۵
مبحث پنجم: اخذ تأمین از اتباع دولت‌های خارجی	۱۷۷
فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه	۱۸۱
مبحث اول: تأمین دلیل	۱۸۱
مبحث دوم: اظهارنامه	۱۸۵
فصل هشتم: دعوای تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت	۱۸۷
فصل نهم: سازش و درخواست آن	۲۰۲
مبحث اول: سازش	۲۰۲
مبحث دوم: درخواست سازش	۲۰۵
فصل دهم: رسیدگی به دلایل	۲۰۸
مبحث اول: کلیات	۲۰۸
مبحث دوم: اقرار	۲۱۰
مبحث سوم: اسناد	۲۱۲
مبحث چهارم: گواهی	۲۳۱
مبحث پنجم: معاینه محل و تحقیق محلی	۲۴۰
مبحث ششم: رجوع به کارشناس	۲۴۴
مبحث هفتم: سوگند	۲۵۱



۲۶۲	مبحث هشتم: نیابت قضایی
۲۶۵	فصل یازدهم: رأی
۲۶۵	مبحث اول: صدور و انشاء رأی
۲۶۸	مبحث دوم: ابلاغ رأی
۲۷۰	مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی
۲۷۱	مبحث چهارم: واخواهی
۲۷۷	مبحث پنجم: تصحیح رأی
۲۷۹	مبحث ششم: دادرسی فوری
۲۸۴	باب چهارم: تجدیدنظر
۲۸۴	فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر
۲۸۴	فصل دوم: آرای قابل تجدیدنظر
۲۹۲	فصل سوم: مهلت تجدیدنظر
۲۹۴	فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی
۳۰۰	فصل پنجم: جهات تجدیدنظر
۳۰۹	باب پنجم: فرجام خواهی
۳۰۹	فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی
۳۰۹	مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام
۳۲۱	مبحث دوم: موارد نقض
۳۲۵	مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی
۳۳۵	مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی
۳۳۹	مبحث پنجم: مهلت فرجام خواهی

۳۴۰	مبحث ششم: اقدامات پس از نقض
۳۴۷	مبحث هفتم: فرجام تبعی
۳۴۸	فصل دوم: اعتراض شخص ثالث
۳۵۲	فصل سوم: اعاده دادرسی
۳۵۲	مبحث اول: جهات اعاده دادرسی
۳۵۴	مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۳۵۶	مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی
۳۶۱	باب ششم: مواعد
۳۶۱	فصل اول: تعیین و حساب مواعد
۳۶۳	فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد
۳۶۵	باب هفتم: داوری
۳۹۱	باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار
۳۹۱	فصل اول: هزینه دادرسی
۳۹۲	فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی
۳۹۸	باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
۳۹۸	فصل اول: کلیات
۴۰۶	فصل دوم: خسارات
۴۰۹	فصل سوم: مستثنیات دین
۴۱۱	سایر مقررات



راهنما

خوانندگان گرامی! لازم به یادآوری است که نشانه‌های درج شده در ابتدای هر ماده قانونی نشانگر درجه اهمیت ماده‌های ذکر شده می‌باشد. به طوری که مواد قانونی که دارای علامت **III** می‌باشند از بیشترین درجه اهمیت نسبت به سایر مواد قانونی برخوردار هستند. که این مواد را ممتاز می‌نامیم و بدیهی است سایر مواد از لحاظ اهمیت آزمونی و کاربردی از اهمیت کمتری برخوردارند. به طوری که علامت‌های **II** **I** در ابتدای سایر مواد قانونی به تدریج نشانگر درجه اهمیت خیلی مهم و مهم می‌باشند.

لازم به ذکر است آن دسته از مواد قانونی که در ابتدای آنها هیچ نشانه‌ای وجود ندارد از درجه اهمیت آزمونی و کاربردی پایین‌تری نسبت به سایر مواد قرار دارند.

از آنجا که قوانین به عنوان منابع اصلی آزمون های تحصیلات تکمیلی و آزمون های شغلی در رشته حقوق به حساب می آیند بر آن شدم تا با تدوین قوانین نموداری چهره جدیدی از قوانین را پیش روی خوانندگان بگشایم تا بتوانم با جای دهی مواد قانونی در قالب نمودار، فهم مخاطب را از قانون افزون نمایم. پس از چندین نوبت انتشار قوانین نموداری مجدداً به مطالعه و بررسی نمودارها و نشانه گذاری ها مشغول شدم و تغییرات اندکی را که ضروری می دانستم در نوشته های پیشین اعمال نمودم. همچنین با ارزش گذاری مواد قانونی تلاش نمودم که امکان تمرکز بیشتر بر مواد قانونی با اهمیت تر را فراهم نمایم. پس از آن که قوانین نموداری چندین طبع را پشت سر نهاده و در هر بار شکل و ویرایش جدیدی را تجربه کرده است اکنون به سان مجموعه ای متکامل درآمده که دیگر نموداری بودن تنها یکی از ویژگی های آن است. آنچه در دستان شماست صورت کاملی از یک کتاب قانون است که در آن امکان مطالعه مواد قانونی به صورت نموداری است. هرچند این انتشار را نقطه تکامل کتاب خود می دانم، به خوبی واقف و معترف هستم که از تکامل در صورت اثر تا تکامل در ماده آن فرسنگ ها راه است. این اثر اگرچه به زعم نگارنده در صورت به تکاملی نسبی رسیده برای کسب تکامل محتوایی نیازمند اصلاحات و اضافاتی است که جز با ارشاد اصحاب حقوق میسر نبوده و نخواهد بود. به همین سبب از فضایی عظام که عنایتی با این قبیل مقولات دارند انتظار داریم که از پی رویت گفتار حاضر افادت خویش در معرض استفادت نهند.

الهام مختاری - فروردین ماه ۱۳۹۳

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱

کتاب اول: در امور مدنی

کلیات

ماده ۱- آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است



که در مقام رسیدگی به

◀ امور حسبی و

◀ مدنی و

◀ عمومی،

◀ انقلاب،

◀ تجدیدنظر،

◀ دادگاه‌های

◀ کلیه

◀ بازرگانی در

دیوان عالی کشور و

دعاوی

◀ سایر مراجعی که به موجب قانون

موظف به رعایت آن می‌باشند.

به کار می‌رود.

رأی وحدت رویه شماره ۳۵۳۰ - ۱۳۶۰/۰۲/۰۷

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

تقسیم املاک محجورین و غایب مفقودالثر از صلاحیت واحد ثبتی خارج و در صلاحیت دادگاه است.

متن رأی:

نظر به این که مقنن به لحاظ حفظ حقوق محجورین و غایب مفقودالثر و رعایت مصلحت آنها طبق قسمت اخیر ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی مقرر داشته است که در تقسیم ترکه اگر بین وراث محجور یا غایب باشد تقسیم به توسط نمایندگان آنها در دادگاه به عمل آید و با توجه به ماده ۳۲۶ همین قانون که به موجب آن مقررات قانون امور حسبی راجع به تقسیم ترکه در مورد تقسیم سایر اموال نیز جاری خواهد بود و نظر به این که ماده اول قانون افراز و فروش املاک مشاع که قانون عام است و بر طبق آن افراز املاکی که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته است در صلاحیت واحد ثبتی محل شناخته شده علی الاصول ناسخ ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی که قانون خاص است نمی باشد نظر شعبه پنجم دیوان عالی کشور که تقسیم املاک محجورین و غایب مفقودالثر را از صلاحیت واحد ثبتی خارج دانسته و در صلاحیت دادگاه شناخته است صحیح و مطابق با موازین قانونی است.

رأی وحدت رویه شماره ۲۳۹۴۴ - ۱۳۶۰/۰۹/۱۱

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

مفهوم سرپرستی در قانون سرپرستی کودکان بی سرپرست، با مفهوم قیمومت متفاوت است لذا رسیدگی به درخواست واگذاری سرپرستی طفل از صلاحیت دادگاه مدنی خاص خارج و در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است.

متن رأی:

عبارت (نصب قیم) در بند ۳ از ماده ۳ لایحه قانون دادگاه مدنی خاص ناظر به مواردی است که مطابق قوانین مدنی و امور حسبی دادگاه‌ها موظفند برای صغار نصب قیم نمایند و عبارت مذکور به هیچ وجه شامل موضوع سرپرستی مذکور در قانون حمایت کودکان بدون سرپرست مصوب اسفند ۵۳ که از حیث نحوه سرپرستی و شرایط به کلی با مفهوم قیمومیت و مختصات آن متفاوت است نمی‌باشد علی‌هذا نظر شعبه نهم دیوان عالی کشور که مشعر به صلاحیت دادگاه عمومی است موجه و منطبق با موازین قانونی تشخیص و تأیید می‌شود.

رأی وحدت رویه شماره ۴۷ - ۱۳۶۳/۱۰/۱۷

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

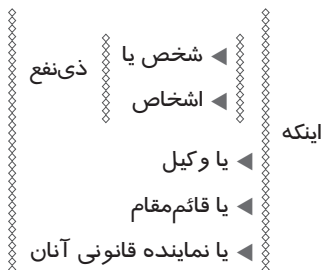
مرجع رسیدگی نسبت به اعتراض و شکایت از تصمیم کمیسیون اداری پنج نفری موضوع ماده واحده لایحه قانونی راجع به تعیین هیئت پنج نفری جهت انجام وظایف سازمان‌ها عمران اراضی شهری در استان‌ها، دیوان عدالت اداری است.

متن رأی:

راجع به مرجعیت عام دادگستری در اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده که مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است و در مورد صلاحیت دادگاه‌ها در رسیدگی به دعاوی مدنی ماده یک قانون آیین دادرسی مدنی مصرح است به اینکه رسیدگی به کلیه دعاوی مدنی راجع به دادگاه‌های دادگستری است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری معین کرده است و اما موضوع بحث در پرونده‌های مطروحه، تشخیص مرجع رسیدگی نسبت به اعتراض و شکایت از تصمیم کمیسیون اداری پنج نفری موضوع ماده واحده لایحه قانونی راجع به تعیین هیئت پنج نفری جهت انجام وظایف سازمان‌های عمران اراضی شهری در استان‌ها

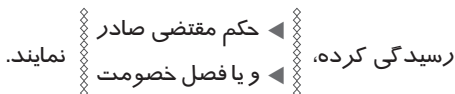
مصوب بهمن ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقض قوانین بوده که این نحوه شکایت از انواع دعاوی و امور ترافعی محسوب نمی‌شود تا نیاز به رسیدگی و قطع و فصل در مراجع قضایی دادگستری داشته باشد بلکه از جمله مواردی است که رسیدگی و اظهارنظر نسبت به آن بر طبق ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در حدود صلاحیت آن دیوان تعیین شده است فلذا اینگونه شکایات باید به آن مرجع تسلیم گردد.

▣ ماده ۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر

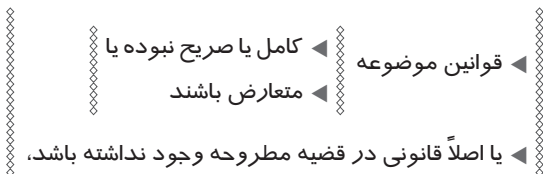


رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.

▣ ماده ۳- قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی



در صورتی که



با استناد به

◀ منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و
 ◀ اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد،

حکم قضیه

را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانهٔ

◀ سکوت یا
 ◀ نقص یا
 ◀ اجمال یا
 ◀ تعارض

قوانین از

رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا ← مستتکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

تبصره- چنانچه قاضی ◀ مجتهد باشد و
 ◀ قانون را خلاف شرع بداند ←

پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

رأی وحدت رویه شماره ۶۱ - ۱۳۴۶/۰۷/۱۹

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

با عنایت به اینکه طبق رأی هیئت تجدید نظر انتظامی قضات، انفصال قاضی از خدمت قضایی فسخ گردیده، قاضی مزبور در مدت انفصال مستحق دریافت حقوق ایام انفصال است.

متن رأی:

چون رأی محکمه بدوی انتظامی که درباره آقای رادمنش مبنی بر انفصال او از خدمت قضایی صادر شده بعد در مرحله تجدیدنظر فسخ گردیده و طبق مستفاد از رأی هیئت تجدیدنظر عنوان قضایی از شخص نامبرده سلب نشده بلکه از حیث تخلفات منتسب به او از جهتی تبرئه و از جهت دیگر به کسر عشر حقوق در شش ماه محکوم گردیده و بقای عنوان قضایی برای مشارالیه قبول کار اداری در مدتی که رأی محکمه بدوی انتظامی ملغی الاثر نشده بوده تأثیر در وضع قضایی او ندارد بنابراین بالتسبیح رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور که ابقای عنوان قضایی را در مورد قاضی منفصل دیگر (به اعتبار رأی هیئت تجدیدنظر دایر بر فسخ رأی محکمه انتظامی و ملغی شدن آثار آن) محفوظ شناخته قابل تأیید می‌باشد.

رأی وحدت رویه شماره ۴۲ - ۱۳۵۸/۰۸/۲۸

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

مدت مرور زمان تعقیب انتظامی قضات از تاریخ وقوع تخلف یا آخرین اقدام تعقیبی قانونی دو سال است، بنابراین تعقیب انتظامی پس از این مدت مشمول مرور زمان قانونی می‌گردد.

متن رأی:

چون برطبق ماده ۳۱ قانون استخدام قضات مصوب اسفند ماه سال ۱۳۰۶ مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف یا آخرین اقدام تعقیبی قانونی دو سال است و قضات دادگاه عالی انتظامی تصمیم خود را مبنی بر بایگانی موضوع شکایت شاکی در تاریخ ۱۳۵۱/۰۲/۱۸ اتخاذ نموده‌اند در حالی که تاریخ شکایت شاکی از قضات آن دادگاه در تاریخ ۱۳۵۷/۰۷/۱۳ به عمل آمده است، بنابراین تعقیب انتظامی آقایان قضات سابق دادگاه عالی انتظامی مشمول مرور زمان قانونی بوده و موقوفی تعقیب نامبردگان اعلام می‌گردد.

رأی وحدت رویه شماره ۳۷ - ۱۳۶۳/۰۹/۱۹

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت‌نامه ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده در صورتیکه مخالف نظم عمومی نباشد، باید با رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان به عمل آید.

متن رأی:

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاه‌ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت‌نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را برطبق آن صادر نمایند

این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

ماده ۴- دادگاه‌ها مکلفند در مورد هر دعوا ← به طور خاص

تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت
 عام و کلی
 حکم صادر کنند.

ماده ۵- آرای دادگاه‌ها ← قطعی است، مگر:

◀ در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا

◀ در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل
 نقض یا تجدیدنظر

باشند

ماده ۶- عقود و قراردادهایی که
 مخلّ نظم عمومی یا
 بر خلاف اخلاق حسنه

که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.

▣ **ماده ۷-** به ماهیت هیچ دعوی نمی‌توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود، تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون.

▣ **ماده ۸- هیچ**

- ◀ مقام رسمی یا
- ◀ سازمان یا دولتی
- ◀ اداره

نمی‌تواند

▣ **مگر**

- ◀ حکم دادگاه را تغییر دهد و یا
- ◀ از اجرای آن جلوگیری کند
- ◀ دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر

آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد.

▣ **ماده ۹-** رسیدگی به دعاوی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می‌یابد.

آرای صادره از حیث قابلیت

- ◀ اعتراض و تجدید نظر و فرجام

تابع قوانین

مجری در زمان صدور آنان می‌باشد، مگر اینکه آن قوانین، خلاف

شرع شناخته شود. نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاه‌ها صادر شده و در زمان اجرای این

قانون در جریان رسیدگی
تجدیدنظر یا
فرجامی

است به ترتیب مقرر در این قانون عمل می‌شود.

رأی وحدت رویه شماره ۹۵ - ۱۳۵۶/۰۷/۱۰

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

دعای درخواست تجدید نظر نسبت به میزان اجاره بها که قبل از تصویب قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ طرح شده و در جریان رسیدگی است، مشمول قانون مزبور است.

متن رأی:

نظر به این که طبق ماده ۱ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ هر محلی که برای سکنی یا کسب و پیشه اجاره داده شده نیز مشمول آن قانون می باشد و به موجب ماده ۳۲ از تاریخ اجرای قانون مزبور قانون روابط مالک و مستأجر مصوب ۱۳۳۹ ملغی و منسوخ است، بنابراین ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر شامل دعای که قبل از تصویب این قانون طرح شده و در جریان رسیدگی است نیز خواهد بود. این رأی طبق مقررات قانونی لازم الاتباع است.

رای وحدت رویه شماره ۱۱۳ - ۱۳۵۶/۱۱/۲۴

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

عدم شمول قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶ به دعاوی تخلیه - بابت تاخیر در پرداخت اقساط مال الاجاره - که قبل از تصویب قانون مزبور مطرح و در جریان رسیدگی است.

متن رأی:

بند ۹ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ که تأخیر مستأجر در پرداخت قسط یا اقساط عقب افتاده مال الاجاره یا اجرت‌المثل را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطار دفترخانه تنظیم‌کننده سند اجاره یا اظهارنامه از جمله موارد درخواست صدور حکم تخلیه مورد اجاره قرار داده است، ناظر به دادخواست‌ها و تخلیه که قبل از اجرای آن قانون و به ادعای خودداری مستأجر از پرداخت قسط یا اقساط عقب‌افتاده اجرت‌المسمی یا اجرت‌المثل ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار دفتر اسناد رسمی و به استناد به شق «۷» ماده ۸ قانون روابط مالک و مستأجر مصوب ۱۳۳۹ شمسی تقدیم شده است نمی‌باشد بنابراین در این‌گونه دعاوی شرط تخلف مقرر در شق «۷» ماده ۸ قانون اخیرالذکر لازم‌الرعايه خواهد بود.

رأی وحدت رویه شماره ۷۱ - ۱۳۵۳/۰۸/۲۹

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

قانون روابط مالک و مستأجر در نقاطی که در تاریخ صدور رأی لازم العمل باشد به کلیه دعاوی که قبلاً طرح شده و در جریان است نیز تسری خواهد داشت.

متن رأی:

نظر به این که ماده ۱ قانون روابط مالک و مستأجر صراحت دارد بر این که (هر محلی که برای پیشه و کسب و تجارت یا سکنی تا به حال اجاره داده شده یا بعداً اجاره داده شود مشمول مقررات این قانون خواهد بود) و به موجب ماده ۲۶ کلیه مقررات و قوانینی که با مفاد این قانون مغایر باشد ملغی گردیده و قوانین مزبور فقط در مواردی که از شمول این قانون خارج است اعتبار دارد و با التفات به این که تبصره ۱ ماده ۲۳ در مواردی که از شمول این قانون روابط مالک و مستأجر را حتی به احکام قطعی که هنوز اجرا نگردیده تسری داده است و با توجه به مفاد ماده ۵۶۲ آیین دادرسی مدنی که مقرر می‌دارد احکام و قرارها باید اساساً طبق قانونی که در زمان صدور آن لازم العمل است صادر گردد بنا به جهات مذکور قانون روابط مالک و مستأجر در نقاطی که در تاریخ صدور رأی لازم العمل باشد به کلیه دعاوی که قبلاً طرح شده و در جریان است نیز تسری خواهد داشت.

رأی وحدت رویه شماره ۷۹۶ هـ - ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

آراء صادره از حیث اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور حکم هستند.

متن رأی:

نظر به اینکه مطابق قسمت دوم ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض، تجدیدنظر و فرجام تابع قوانین مجری در زمان صدور آن است و این حکم که یکی از قواعد تضمین‌کننده حقوق مکتسب اصحاب دعوا است، در امور کیفری نیز جاری است و به همین سبب حکم مندرج در بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر اجرای فوری قوانین مربوط به صلاحیت، منصرف از قاعده مذکور است. بنابراین، چنانچه رأی دادگاه کیفری با توجه به درجه مجازات قانونی جرم در زمان صدور، مطابق ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قابل فرجام در دیوان عالی کشور باشد، کاهش مجازات به موجب قانون جدید تأثیری در قابلیت فرجام رأی ندارد. بر این اساس رأی شعبه بیستم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء هیئت عمومی صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود.

باب اول: در صلاحیت دادگاه‌ها

فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها

▣ ماده ۱۰- رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت

دادگاه‌های ▣ عمومی و ▣ است، مگر در مواردی که ← قانون
 ▣ انقلاب

مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.

رأی وحدت رویه شماره ۲۱۱۱ - ۱۳۳۵/۱۰/۱۰

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

در دعاوی که موضوع آن مشمول قانون اصلاح توسعه معابر باشد مرجع صالح برای رسیدگی به اختلافات، هیئت سه نفری مذکور در قانون اصلاح توسعه معابر است.

متن رأی:

آنچه از قانون اصلاح توسعه معابر مصوب ۱۳۲۰/۰۴/۰۱ مستفاد می‌شود این است که قانون‌گذار برای تسریع در حل اختلاف و تعیین تکلیف افراد در موردی که شهرداری زمین مشجر یا مزروع یا بیاض یا خانه یا مستغل اشخاص را برای توسعه یا اصلاح یا احداث برزن یا خیابان یا میدان، گذر، توی، انهار یا قنوات برای تسهیل آمد و شد یا زیبایی شهر یا سایر نیازمندی‌های شهر لازم بداند تصرف نماید مرجع صالح برای رسیدگی و حل اختلاف هیئت سه نفری مذکور در ماده ۱۴ قانون مذکور را تعیین نموده و رأی هیئت نامبرده قطعی می‌باشد. بنابراین در دعاوی که موضوع آن مشمول قانون اصلاح توسعه معابر بوده باشد مرجع صالح برای رسیدگی به موضوع هیئت سه نفری مذکور در ماده ۱۴ قانون مزبور است و رأی شعبه اول دیوان کشور خالی از اشکال است.

رأی وحدت رویه شماره ۲۲۵۳ - ۱۰/۲۵/۱۳۳۵

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

مرجع رسیدگی به استحقاق یا عدم استحقاق کارمندان دولت پس از تصدیق استحقاق از طرف دیوان کشور محاکم عمومی می‌باشد.

متن رأی:

طبق مقررات ماده ۶۴ قانون استخدام کشوری و تبصره ۳ ماده ۱۶ قانون تأسیس دانشگاه مرجع رسیدگی به استحقاق یا عدم استحقاق کارمندان دولت در باب مطالبه مزایای استخدامی در مرحله اول دیوان کشور بوده و پس از تصدیق استحقاق از طرف دیوان مزبور کارمند می‌تواند جهت مطالبه حق مالی خود به محاکم عمومی مراجعه نماید. لذا حکم شعبه ۶ دیوان کشور که حاکی از همین معنی می‌باشد ابرام می‌شود.

رأی وحدت رویه شماره ۱۲۵۵ - ۱۳۴۵/۰۷/۱۲

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

اگر چه تعیین قیمت عادلانه اراضی ضروری برای راه آهن، در صلاحیت کمیسیون مخصوص است، ولی در دعاوی مالکین اراضی از جهت عدم تأدیه قیمت، در صلاحیت کمیسیون نبوده و طبق اصول کلی در صلاحیت محاکم عمومی است.

متن رأی:

آنچه از تبصره ۲ ماده ۲ قانون اجاره ساختمان راه آهن خورموسی و بندر محمره و بندر جز مصوب اسفند سال ۱۳۰۵ و تصویب‌نامه‌های شماره ۱۵۱۴۲ مورخ ۱۳۲۱/۰۷/۱۲ و شماره ۱۵۱۴ مورخ ۱۳۲۹/۱۱/۰۸ مستفاد است، در صورت عبور راه آهن از املاک اشخاص و همچنین اراضی که برای ایستگاه راه آهن ضرورت پیدا می‌کند قیمت اراضی مزبور با توجه به جهات و مراتبی که در تصویب‌نامه‌ها ذکر شده به وسیله کمیسیون مخصوص تعیین می‌گردد و خلاصه صلاحیت کمیسیون در اطراف تعیین قیمت عادلانه اراضی است ولی در دعاوی مالکین اراضی از جهت عدم تأدیه قیمت در صلاحیت کمیسیون نبوده و طبق اصول کلی و ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی در صلاحیت

محاكم عمومی است. بنابر مراتب رأی شعبه اولی دیوان عالی کشور که در همین زمینه صادر شده به نظر هیئت عمومی از نظر اتخاذ وحدت رویه قضایی تأیید می‌گردد.

رأی وحدت رویه شماره ۲۷ - ۱۵/۳/۱۳۵۳

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

دعوی ابطال شناسنامه عنواناً اختلاف در اسناد سجلی است و در صلاحیت محاکم دادگستری است نه اداره ثبت احوال.

متن رأی:

نظر به این که ادعای خواهان مبنی بر عدم تعلق شناسنامه موجود به وی مورد قبول اداره آمار نبوده و به همین جهت برای ابطال آن ناچار به مراجعه به دادگاه شده است دعوی عنواناً اختلاف در اسناد سجلی است و بر طبق ماده ۴۴ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹ رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم دادگستری می‌باشد لذا رأی شعبه سوم دادگاه استان خراسان که دادگستری را صالح تشخیص داده صحیحاً صادر شده است.

پرونده وحدت رویه ردیف ۱۰,۵۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

رسیدگی به اختلاف مستخدمین دولتی در صلاحیت هیئت رسیدگی به شکایات استخدامی سازمان امور اداری و استخدامی کشور است.

متن رأی:

ماده ۶۷ مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۵۲/۰۳/۰۵ صراحت دارد که مستخدمین مشمول مقررات این قانون می‌توانند در مورد تضييع حقوق استخدامی خود به شورای سازمان امور اداری و استخدامی کشور شکایت کنند.

قانون مزبور صریحاً شامل کارکنان سازمان مسکن نیز می‌شود نظر به اینکه حق شکایت و تظلم کارمندان سابق سازمان مسکن که در تاریخ تصویب قانون نامبرده بطور کلی کار دولتی نداشته و کارمند دولت محسوب نمی‌شده‌اند یا به علت دعاوی استخدامی کارمندی آنها در آن سازمان در تاریخ مزبور محرز نبوده است، در مورد تضييع حقوق استخدامی خود که بر اساس اشتغال آنها بیش از تاریخ مذکور در آن سازمان بوده به هر حال محفوظ است و مرجع رسیدگی به این گونه شکایات نیز از تاریخ ۱۳۵۲/۰۳/۰۵ هیئت‌های رسیدگی

به شکایات سازمان امور اداری و استخدامی کشور و از تاریخ اجرای لایحه قانونی اصلاح ماده ۶۰ قانون استخدام کشوری و الغاء مواد ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ قانون مذکور مصوب خرداد ماه ۵۸ دادگاه‌هایی است که طبق قانون جانشین آن هیئت‌ها شده‌اند بنابراین رأی شماره ۱۳۵۶/۰۴/۱۸ - ۱۷۸ صادره از دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی قضات صحیح و منطبق با موازین قانونی و پیروی از مفاد آن با رعایت توضیحاتی که داده شده طبق ماده واحده وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم است.

رأی وحدت رویه شماره ۱۲۶۴۶ - ۱۳۶۰/۰۴/۳۰

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

استماع و رسیدگی نسبت به دعاوی راجع به دیون محکومین به طرفیت بنیاد مستضعفان، بلااشکال است.

متن رأی:

چون بر طبق ماده ۱۲ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب مصوب تیرماه ۵۸ شورای انقلاب اسلامی ایران، از جمله مجازات‌هایی که بر طبق حدود شرع اسلام مقرر شده ضبط

اموالی که از راه غیر مشروع به دست آمده پس از تسویه دیون خواهد بود و با توجه به لایحه قانونی اساسنامه بنیاد مستضعفان مصوب تیرماه ۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و اینکه به مستنبط از تبصره ذیل بند ۳ ماده دوم آن لایحه که قبول هر مال یا واحد اقتصادی یا سهام شرکت‌ها را از طرف بنیاد متوقف بر آن دانسته که پس از حسابرسی از طریق‌های اطمینان بخش احراز شود که قبول آنها به صلاح مستضعفان و در جهت اهداف بنیاد است حسابرسی و رسیدگی دقیق نسبت به مطالبات و دیون محکومینی است که دستور ضبط اموال آنان داده شده فلذا استماع و رسیدگی نسبت به دعاوی راجع به دیون چنین محکومینی به طرفیت بنیاد مستضعفان بلاشکال به نظر می‌رسد بنابراین رأی شعبه ۲۰ دادگاه صلح تهران که بر مبنای نظر فوق صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین تشخیص می‌گردد.

پرونده وحدت رویه ردیف ۹،۵۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

دادگستری مرجع تظلمات عمومی است فلذا دعاوی مربوط به اسناد رسمی و قبوض اقساطی لازم الاجرا، در دادگاه‌های دادگستری قابل استماع و رسیدگی است.

متن رأی:

نظر به اینکه مرجع تظلمات عمومی دادگستری است فلذا به جز آنچه که در قانون مستثنی شده انواع مختلفه دعاوی از جمله دعاوی مربوط به اسناد رسمی و قبوض اقساطی لازم‌الاجرا در دادگاه‌های دادگستری قابل استماع و رسیدگی است و حکم ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد و املاک مبنی بر این که مدلول کلیه اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج حکمی از محاکم دادگستری لازم‌الاجراست منافات و مغایرتی با حق و اختیار اقامه دعوی در دادگاه‌های دادگستری ندارد و لازم‌الاجرا بودن اسناد مزبور مزیتی است که در قانون برای چنین اسنادی در نظر گرفته شده است تا صاحبان حق بتوانند از هر طریقی که مصلحت و مقتضی می‌دانند برای احقاق حق خود اقدام نمایند.

رأی وحدت رویه شماره ۱۰۳۴۰۲-۱۳۶۰/۱۲/۱۷

هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

اعطا اختیار به سازمان‌های آب و برق برای قلع و قمع بنای ساخته شده در مسیر خطوط انتقال برق، نافی صلاحیت عام دادگاه‌های دادگستری برای اقامه دعوا و حکم به قلع بنا نیست.

متن رأی:

هر چند بر طبق ماده ۹ لایحه قانونی رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به سازمان‌های آب و برق این اختیار داده شده که اگر در مسیر و حریم خطوط انتقال و توزیع نیروی برق و حریم کانال‌ها و انه‌ار آبیاری احداث ساختمان یا درختکاری و هر نوع تصرف خلاف مقررات شده یا بشود بر حسب مورد با اعطای مهلت مناسب با حضور نماینده دادستان مستحذات غیر مجاز را قلع و قمع و رفع تجاوز نمایند ولی با لحاظ اینکه دادگستری مرجع تظلمات عمومی است این اختیار حق سازمان‌های آب و برق را برای اقامه دعوی در دادگاه نسبت به موارد مذکور سلب نمی‌نماید.

پرونده وحدت رویه ردیف ۱,۶۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

رسیدگی به دعاوی مربوط به تغییر نام اشخاص در صلاحیت عام محاکم عمومی دادگستری است.

متن رأی:

نظر به این که تبصره ۴ ماده ۳ قانون ثبت احوال مصوب تیر ماه ۱۳۵۵ ناظر به اعطاء اختیار به هیئت حل اختلاف برای تغییر نام‌های ممنوع می‌باشد و رسیدگی به سایر دعاوی مربوط به نام اشخاص در صلاحیت عام محاکم عمومی دادگستری است فلذا دادنامه صادره از شعبه سوم دیوان عالی کشور که بر همین اساس صدور یافته صحیح و موافق موازین قانونی است.

رأی وحدت رویه شماره ۵۳ - ۱۳/۰۳/۱۳۶۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

هر نوع دعوا مربوط به قانون اراضی شهری مطرح شود، دارای وصف دعاوی دولت و مرجع رسیدگی به این گونه دعاوی دادگاه عمومی یا دادگاه شهرستان است.

متن رأی:

از ماده اول قانون اراضی شهری که در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده چنین مستفاد است که حقوق و اختیارات و اقتداراتی که به موجب این قانون برای دولت شناخته شد و من حیث حق حاکمیت دولت است و بدیهی است که اعمال حقوق حاکمیت دولت به وسیله سازمان زمین شهری که به موجب اساسنامه مورخه ۱۳۶۱/۰۳/۳۰ مصوب هیئت وزیران تشکیل شده است و به صورت شرکت دولتی اداره شود موجب تغییر عنوان و وصف حق دولت که از اصل حاکمیت ناشی گردیده و نشأت می‌گیرد نخواهد بود.

با این تقدیر هر نوع دعوی که در اجرای قانون اراضی شهری به وسیله مرجع اجرایی این قانون یا اشخاص حقیقی و حقوقی مطرح شود دارای وصف دعوی دولت و مشمول بند ۱ از ماده ۱۶ از قانون آیین دادرسی مدنی و مرجع رسیدگی به این‌گونه دعاوی دادگاه عمومی یا دادگاه شهرستان می‌باشد بنابر مراتب حکم شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی کرمان که پس از رسیدگی به دعوی مطروحه ناشی از اجرای قانون اراضی شهری صادر شده برابر با موازین قانونی تشخیص می‌شود این رأی به اکثریت صادر شده و مستنداً به ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

رأی وحدت رویه شماره ۲۵۶ - ۱۳۶۳/۱۱/۳۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع:

کسانی که به تاریخ قبل از قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری با اسناد عادی دارای زمین اعم از موات و بایر بوده می‌توانند برای تأیید تاریخ تنظیم سند عادی و صحت معامله به مراجع قضایی مراجعه و دادگاه‌های دادگستری نیز مکلفند نسبت به آن اتخاذ تصمیم نمایند.

متن رأی:

مستفاد از تبصره ماده ۶ قانون اراضی شهری آن است که کسانی که به تاریخ قبل از قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری با اسناد عادی دارای زمین اعم از موات و بایر بوده می‌توانند برای تأیید تاریخ تنظیم سند عادی و صحت معامله به مراجع قضایی مراجعه و دادگاه‌های دادگستری نیز می‌بایست نسبت به آن رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمایند لذا رأی شعبه دوم دادگاه عمومی همدان که بر این مبنا صادر گردیده موجه به نظر می‌رسد و با اکثریت آراء تأیید می‌گردد.